

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



مقومه نلگم

یادم هست که هر وقت از رضا کیاسالار کتاب یازدهم رو پیگیری می کردم، رضای عزیز که خیلی ظریف و رند و داناست می گفت:

«بگو ببینم کتاب زیست کارش کجاست؟ تو اصلن خودت زیست و تموم کردی که هی دم به دقیقه زنگ می زنی به من؟! من اصلن می خوام کتابم با کتاب زیست دربیاد! (خنده حضار!)»
رضا این رو می گفت چون می دونست کتاب زیست دیرتر می آد! چون مؤلفش منم! و چون کتاب خیلی پرکاره!

ولی خوب من که بیخیال نمی شدم! شغل من به عنوان مؤلف یه چیزه! به عنوان مدیر تألیف یه چیز دیگه! 😊

درسته که مؤلف خوبی نیستم ولی سعی می کنم مدیر تألیف خوبی باشم! خلاصه آن قدر و آن قدر و آن قدر رضا رو پیگیری و اذیت کردم تا امروز!

ولی باید بهتون بگم که دلیلی اصلی رضا در واقع یه چیز دیگه بود اون هم چیزی نبود جز کیفیت بی نظیر و مثال زدنی!

رضا کیاسالار به کتابش مثل یک تابلوی هنری نگاه می کنه که هر نقطه اش باید بی نقص و باحال و تأثیرگذار باشد!

به خاطر همین هم همیشه تأکیدش روی کیفیت بوده و هست. کیفیت هم زمان بره! ما سعی می کنیم با کار زیاد، در واحد زمان کیفیتمون رو هم حفظ کنیم. امیدوارم نظر شما هم همین باشد.
از همه آدم هایی که در طول کارهای این کتاب برایش زحمت کشیدند ممنونم.
دوستان خوب تولید، گرافیک، هدی ملک پور در واحد تألیف و ویراستاران خوب کتاب.

سلام برسون!

مقدمه مطرف

این مقدمه بهانه‌ای است تا با دانش‌آموزان «خیلی‌سبزه» خودم در گوشه‌وکنار کشور، دو کلمه حرف حساب بزنم: زک و صریح! چون واقعاً وقت نداریم: «کنکور از آنچه در تقویم می‌بینید به شما نزدیک‌تر است»؛ خیلی نزدیک‌تر. و در ضمن یادتان باشد که این حرف‌ها را معلمی دارد به شما می‌گوید که ۲۵ سال از عمرش را در بهترین مراکز کنکور کشور صرف آماده‌سازی داوطلبان کنکور کرده است.

لطفاً کتاب را پس بدهید

تعارف که نداریم! اختلاف سطح کنکور و کتاب درسی، زیاد است. سبک این دو تا هم که فرق دارد؛ یکی تستی است، آن یکی، تشریحی. نگاه طراح کنکور به کتاب درسی، نگاهی دقیق، سخت‌گیرانه و نکته‌بین است. پس اگر قرار است یک کتاب تست بنویسیم که دانش‌آموز را برای کنکور آماده کند، باید خودمان را جای طراح بگذاریم و از زاویه دید او به کتاب درسی نگاه کنیم؛ نگاهی دقیق، سخت‌گیرانه و نکته‌بین. این همان کاری است که من کرده‌ام و این کتاب، نتیجه آن نگاه است: کتابی که قرار است دستتان را بگیرد و شما را به سطح سؤال‌های آزمون سراسری برساند. به عبارت دیگر، این کتاب برای یک دانش‌آموز جدی که از حالا کنکور را نشانه گرفته طراحی شده؛ اگر جدی نیستید یا این‌که فعلاً به کنکور فکر نمی‌کنید، تا دیر نشده، کتاب را پس بدهید و یک کتاب کمک‌آموزشی دیگر تهیه کنید.

عُرغُر می‌کنید؟ عیبی ندارد!

توضیحات گرامر را طوری نوشته‌ام که نه سیخ بسوزد و نه کباب. هرچه کتاب درسی گفته، برایتان گفته‌ام. هرجا مثال و تمرینی آورده ولی درش را نداده؛ اشاره‌ای کرده‌ام. حتی بعضی جاها چیزهایی را که باید می‌گفته، نگفته؛ ولی من خیلی مختصر آن‌ها را برایتان گفته‌ام. چرا؟ چون من این موها را نه در آسیاب، که در کلاس‌های کنکور سفید کرده‌ام و می‌دانم که طراح کنکور چه چیزهای ناگفته‌ای را برای طرح سؤال، بهانه می‌کند.

وقتی دارید توضیحات گرامر را می‌خوانید، سعی کنید فقط به یک فهم کلی از آن برسید. برای این‌که فهمتان از گرامر هر درس کامل شود، باید تست‌های آن را حل کنید. یادتان باشد که تست‌های گرامر جنبه آموزشی دارند، نه آزمایشی. پس، وقتی دارید تست می‌زنید، ساعت را کنار بگذارید و بیخودی زمان نگیرید. چیزی که الان برای شما مهم است، تسلط روی محتوای گرامر است، نه سرعت. اگر تستی را اشتباه می‌زنید، به پاسخ‌نامه تشریحی مراجعه کنید و تا نفهمیدید که داستان از چه قرار است، تسلیم نشوید. جواب‌های مفصلی برایتان نوشته‌ام که خیلی‌هایش، بیشتر از این‌که جواب باشد، یک درسنامه کامل است.

کتاب درسی شما در هر درس، چند مبحث گرامری نامرتبط را مطرح کرده؛ من هم تست‌های گرامر را ترکیبی نوشته‌ام تا تمام آن مباحث را پوشش بدهد. حتی گاهی آن‌ها را به نکته‌هایی از درس‌های قبلی یا کتاب دهم ربط داده‌ام تا سواد پایه از یادتان نرود. از همین حالا هم می‌توانم صورتتان را تصور کنم که وسط حل تست‌های گرامر، از نکته‌پردازی‌ها و سخت‌گیری‌های من کلافه شده‌اید و دارید عُرغُر می‌کنید. عیبی ندارد! هرچه امروز بیشتر عُرغُر کنید، فردای کنکور بیشتر خواهید خندید.

کلمه‌به‌کلمه

هر درس را کلمه‌به‌کلمه خوانده‌ام و از بین آن‌ها، ۵۰ کلمه مهم را برای هر درس گلچین کرده‌ام و برایشان معنی و تلفظ و مثال آورده‌ام. اگر کلمه‌ای کاربردهای متنوع داشت، برای هر کاربرد، معنی جداگانه‌ای نوشته‌ام و آن معنی‌ها را با یک «مربع کوچک» از هم جدا کرده‌ام. طراح کنکور خودش را به کاربردی از کلمه که در کتاب درسی

آمده، محدود و ملزم نمی‌داند. پس، این «مربع‌های کوچک» را جدی بگیرید. مثال‌های مقابل هر کلمه را طوری انتخاب کرده‌ام که در ذهن‌تان فرو برود. جمله‌های مثال را چند بار بخوانید و سعی کنید کلمه را در قالب آن جمله به خاطر بسپارید.

در این کتاب می‌توانید فهرست بلندبالایی از مترادف‌ها و متضادها پیدا کنید. هم‌چنین، تمام فعل‌های دوبخشی را که از هفتم تا یازدهم خوانده‌اید، یک‌جا برایتان جمع کرده‌ام. به‌علاوه، پسوندها و پیشوندهای رایج انگلیسی را با توضیح و مثال ردیف کرده‌ام، چون دانستن آن‌ها کمک می‌کند تا معنی کلمه‌های ناآشنا را راحت‌تر حدس بزنید. تا وقتی به معنی کلمه‌های هر درس مسلط نشدید، سراغ تست‌های واژگان نروید و آن‌ها را ببخودی نوزانید. تست‌های واژگان برای این است که قدرت ترجمه‌تان را بالا ببرد و شما را با کاربردهای مختلف کلمات در قالب جمله آشنا کند. برای حل آن‌ها باید به کلمه‌های آن درس تسلط داشته باشید. به‌علاوه، اگر در یک هفته، مثلاً ۳۰ تا تست واژگان زدید، حتماً باید در هفته‌های بعد، آن‌ها را دوباره روخوانی کنید؛ طوری که یک تصویر کلی از آن جمله در خاطرتان ثبت شود. در صورت تست‌های واژگان، به شکلی منطقی از کلمه‌های خارج از کتاب استفاده کرده‌ام تا کنکوری‌تر شود. یادتان باشد که قرار نیست برای حل تست واژگان، تک‌تک کلمه‌های صورت سؤال را بلد باشید؛ بلکه باید معنی حدودی آن‌ها را حدس بزنید. اگر در کتاب دهم با ما همراه بوده‌اید، حتماً «روش‌های ماهی‌گیری» (حدس معنی کلمه‌های ناآشنا) را یادتان هست.

مأموریت: غیرممکن

در هر درس، زیر عنوان «متن و مهارت»، تکنیک‌های پاسخ‌گویی به سؤال‌های درک‌مطلب را یادتان داده‌ام. این تکنیک‌ها «من‌درآوردی» نیست! توصیه‌هایی جهانی است که کتاب‌های «تافل» و «آیلتس» به داوطلبان این آزمون‌ها می‌کنند. ولی بدبختانه، عمل به این تکنیک‌ها در ابتدا، وقت‌گیر است؛ حتی ممکن است غیرممکن به نظر برسد. ولی دقیقاً مثل «رانندگی» است: هرچه بیشتر تمرین کنید، مهارت بیشتری پیدا خواهید کرد. حواستان باشد که اگر این روزها تمرین نکنید، بعید است سال بعد، در میان آن همه درس و فشار، این فرصت را پیدا کنید. امسال، فقط تکنیک؛ سال بعد، فقط سرعت. پس، متن‌های درک‌مطلب را مطابق شیوه‌ای که یادتان داده‌ام حل کنید؛ حتی اگر در ابتدا وقت‌گیر و غیرممکن به نظر برسد.

معلم، معلم و باز هم معلم

این کتاب می‌تواند به شکل خودآموز مورد استفاده قرار بگیرد؛ اما یقیناً بهتر است که همراه و زیر نظر معلم خوانده شود. همیشه این را در مقدمه‌هایم گفته‌ام که رابطه معلم و کتاب‌های کمک‌آموزشی مثل رابطه افسر و قوانین راهنمایی‌وراندگی است. فرمان افسر، بر هر قانون و چراغی تقدم دارد. یادتان باشد که در هر خط این کتاب، نظر معلمان شرط است. به قید حیات، سال بعد در کتاب جامع کنکور «خیلی‌سبز» شما را دوباره خواهیم دید. از همین جا و از صمیم قلبم، برای تک‌تک شما دانش‌آموزان نادیده‌ام در گوشه‌وکنار کشور، آرزوی موفقیت دارم.

و توفیقی همه از رفیق‌های عالی است

تابستان ۱۳۹۶

رضا کیاسالار

فهرست

۷ - ۱- درس اول (Understanding People)

- ۸ • گرامر
- ۲۳ • واژگان
- ۳۶ • متن های کلوز و درک مطلب
- ۴۶ • پاسخ نامه تشریحی

۶۷ - ۲- درس دوم (A Healthy Lifestyle)

- ۶۸ • گرامر
- ۸۱ • واژگان
- ۹۶ • متن های کلوز و درک مطلب
- ۱۰۵ • پاسخ نامه تشریحی

۱۲۵ - ۳- درس سوم (Art and Culture)

- ۱۲۶ • گرامر
- ۱۳۸ • واژگان
- ۱۵۳ • متن های کلوز و درک مطلب
- ۱۶۲ • پاسخ نامه تشریحی

درسنامه ۲

گرامر درس

بخش اول: زمان حال کامل

شما در سال‌های قبل با زمان‌های «حال ساده» (I go)، «حال استمراری» (I am going)، «گذشته ساده» (I went)، «گذشته استمراری» (I was going) و «آینده ساده» (I will go) آشنا شده‌اید. در این درس، زمان «حال کامل» را یاد می‌گیرید که تا حد زیادی به زمان «ماضی نقلی» خودمان در فارسی شبیه است. انگلیسی‌زبان‌ها با استفاده از زمان حال کامل، گذشته را به حال ربط می‌دهند. به الگوی ساخت این زمان در جدول زیر دقت کنید:

فاعل	فعل کمکی has/have	صفت مفعولی (past participle)	معادل تقریبی فارسی
I	have	gone	رفته‌ام
You	have	gone	رفته‌ای
She/He/It	has	gone	رفته است
We	have	gone	رفته‌ایم
You	have	gone	رفته‌اید
They	have	gone	رفته‌اند

اجزای لازم برای ساخت زمان حال کامل

۱- برای ساخت این زمان به فعل کمکی **have** نیاز داریم که برای سوم شخص مفرد به شکل **has** درمی‌آید. در ساختار حال کامل، این دو فعل کمکی، معنی خاصی ندارند. برای سؤالی و منفی کردن این جمله‌ها، از همین دو فعل کمکی استفاده می‌کنیم. این دو می‌توانند هنگام اتصال به فاعل، کوتاه شوند و به شکل **'ve** و **'s** دربیایند.

۲- صفت مفعولی (past participle) که معمولاً به شکل اختصاری **p.p.** نشان داده می‌شود، همان قسمت سوم فعل انگلیسی است. شما با قسمت دوم فعل از قبل آشنا هستید و از آن برای ساخت زمان گذشته ساده استفاده می‌کنید. قسمت سوم فعل هم معمولاً با اضافه کردن **-ed** به انتهای فعل ساده ساخته می‌شود. در بعضی از فعل‌ها، که به آن‌ها فعل‌های بی‌قاعده می‌گوییم، ساخت قسمت سوم از این دستورالعمل پیروی نمی‌کند و باید آن را از قبل حفظ کرده باشید. در بعضی از فعل‌های بی‌قاعده، قسمت دوم و سوم فعل، یکسان است (**make, made, made**) ولی همیشه چنین نیست (**see, saw, seen**). در انتهای اکثر کتاب‌های آموزشی انگلیسی، از جمله کتاب درسی خودتان، جدول افعال بی‌قاعده وجود دارد.

زمان حال کامل و کاربرد اصلی آن

کاربرد اول: بیان عملی که در گذشته به انجام رسیده ولی زمان دقیق آن برایمان مهم نیست؛ آن‌چه برایمان اهمیت دارد، اثر و نتیجه آن عمل در زمان حال است. به این جمله‌ها دقت کنید:

I can't go on holiday because I've broken my leg.

نمی‌توانم به تعطیلات بروم چون پایم شکسته است. (پای من قبلاً شکسته؛ زمان دقیق آن مهم نیست، مهم این است که هنوز پایم در گچ است و در نتیجه اکنون نمی‌توانم به تعطیلات بروم.)



Have you read any of Shakespeare's plays?

آیا هیچ کدام از نمایشنامه‌های شکسپیر را خوانده‌ای؟ (برای کسی که سؤال را پرسیده، مهم نیست که مخاطبش دقیقاً چه زمانی نمایشنامه‌ها را خوانده؛ او فقط می‌خواهد بداند آیا مخاطبش در حال حاضر هیچ کدام از نمایشنامه‌های شکسپیر را به یاد دارد یا نه.)

Mehdi hasn't paid back the money yet.

مهدی هنوز پول را پس نداده است. (قرار بود مهدی مدتی قبل پول را پس بدهد؛ اما این کار را انجام نداده؛ پس در نتیجه الان پولی دست ما نیست.)

کاربرد دوم: بیان عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال، به طور پیوسته یا متناوب، ادامه داشته است. در این کاربرد، معمولاً عبارتهای زمانی در جمله ظاهر می‌شوند و مدتی را که عمل به درازا کشیده، نشان می‌دهند.

I have had a cold for two weeks.

دو هفته است که سرما خورده‌ام. (سرماخوردگی‌ام از دو هفته پیش شروع شده و همچنان ادامه دارد.)

She's loved chocolate since she was a little girl.

او از وقتی که دختری کوچک بود [تا حالا]، عاشق شکلات بوده است. (او در گذشته عاشق شکلات شده و هنوز هم عاشق شکلات است.)

They've called six times since 9 a.m.

آن‌ها از ۹ صبح [تا حالا] شش بار تماس گرفته‌اند. (از ۹ صبح که اولین تماس را گرفته‌اند، به طور متناوب، بارها زنگ زده‌اند.)

گذشته ساده یا حال کامل؟

وقتی از گذشته حرف می‌زنیم و زمان انجام آن را مشخص می‌کنیم، از زمان «گذشته ساده» استفاده می‌کنیم. ولی وقتی از گذشته حرف می‌زنیم، و اشاره دقیقی به زمان انجام آن نداریم، «حال کامل» را ترجیح می‌دهیم.

I read the instructions last night. (اشاره دقیق به زمان)

I have read the instructions but I don't understand them.

حال کامل: دستورالعمل را خوانده‌ام اما آن را نمی‌فهمم. (عدم اشاره به زمان)

• حتی وقتی از زمان گذشته ساده بدون قید زمان هم استفاده کنیم، معمولاً به این معنی است که اثر آن فعل در زمان حال مورد توجه ما نیست. اما در مورد حال کامل، این‌طور نیست و اثر فعل گذشته در زمان حال مورد توجه گوینده است.

I washed the car. (شاید الان دوباره کثیف شده باشد.)

I have washed the car. (ماشین را شسته‌ام. ماشین الان تمیز است.)

زلم‌زیمبوه‌های حال کامل در ۱۳ مثال

زمان حال کامل، گذشته را به حال وصل می‌کند. به همین خاطر، قیدها و عبارتهایی که بتوانند اتصال گذشته به حال را برقرار کنند در جمله‌های حال کامل زیاد دیده می‌شوند. به جز **since** (از ... تا حالا)، بقیه اختصاصی نیستند و در دیگر زمان‌ها هم به کار می‌روند. جمله‌های زیر را بخوانید و روی کلمه‌هایی که پررنگ شده، تمرکز کنید. دقت کنید که چه‌طور هر کدامشان، گذشته را به حال ربط می‌دهند.

1. England have not won the World Cup in football since 1966.

انگلستان از سال ۱۹۶۶ [تا حالا] جام جهانی فوتبال را به دست نیاورده است. (حرف اضافه **since** در کنار یک اسم یا یک عبارت، زمان شروع عمل را نشان می‌دهد.)

2. I've been very busy since I came back from holiday.

من از وقتی که از تعطیلات برگشتم [تا حالا] خیلی سرم شلوغ بوده است. (حرف ربط **since** به همراه یک جمله گذشته ساده، زمان شروع عمل را نشان می‌دهد.)

3. I haven't played tennis for ten years.

به مدت ده سال است که تنیس بازی نکرده‌ام. (حرف اضافه **for** مدت‌زمانی را که از گذشته تا حال ادامه داشته، نشان می‌دهد.)



4. It has rained during the last ten hours.

طی ده ساعت گذشته باران باریده است. (طی ده ساعت گذشته، یعنی از ده ساعت پیش تا حالا).

5. She has never said 'sorry' in her life.

او هرگز در طول زندگی اش نگفته است «ببخشید». (قید never یک قید تکرار منفی است و با فعل مثبت به کار می‌رود).

6. Have you ever heard her say 'sorry'?

آیا هرگز شنیده‌ای که او بگوید «ببخشید»? (قید ever در جمله‌های پرسشی و جمله‌های خبری که فعل منفی دارند، ظاهر می‌شود).

7. Why haven't you booked your holiday yet?

چرا هنوز برای تعطیلات جا رزرو نکرده‌ای؟ (قید yet در انتهای جمله پرسشی کاربرد دارد).

8. I haven't spoken to her yet.

من هنوز با او صحبت نکرده‌ام. (قید yet می‌تواند در انتهای جمله منفی هم ظاهر شود).

9. I still haven't finished my homework.

من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام. (جای قید still در وسط جمله منفی است).

10. Have you seen any good films recently?

آیا اخیراً هیچ فیلم خوبی دیده‌ای؟ (قید recently می‌تواند اول، وسط یا آخر جمله بیاید).

11. Let's talk about what has happened so far.

بیا در مورد آن چه تاکنون اتفاق افتاده است، حرف بزنیم. (قید so far می‌تواند اول، وسط یا آخر جمله بیاید).

12. Let's get started - we've wasted enough time already.

بیا شروع کنیم! تا همین حالا هم به اندازه کافی زمان را هدر داده‌ایم. (البته قید already می‌تواند در معنی «قبلاً» هم به کار برود).

13. I have just started a typing course.

من به تازگی یک دوره ماشین‌نویسی را شروع کرده‌ام. (قید just بین فعل کمکی و فعل اصلی قرار می‌گیرد).

آ تست دست‌گرمی

1. Farid his key. He can't get into the house.

- 1) lost 2) is lost 3) has lost 4) have lost

2. Have you met any of your friends you arrived here?

- 1) for 2) when 3) while 4) since

3. My parents aren't home at the moment. They to the shop to get something.

- 1) will go 2) went 3) has gone 4) have gone

4. I to Karaj last week, but I've there twice this week.

- 1) didn't go - gone 2) didn't go - been
3) haven't gone - gone 4) haven't gone - been

۱- گزینه «۳» «فرید کلیدش را گم کرده است. او نمی‌تواند وارد خانه شود.»

(۱) گم کرد (۲) گم شده است (۳) گم کرده است (۴) گم کرده‌اند

گوینده می‌خواهد نشان بدهد که در اثر یک عمل قبلی (گم کردن کلید)، حالا فرید نمی‌تواند وارد خانه شود. این یعنی کاربرد اول زمان حال کامل. مشکل گزینه ۴ این است که فعل have با فاعل جمله مطابقت ندارد. مشکل گزینه ۲ این است که به جای has از is (شدن) استفاده کرده و فعل به شکل مجهول درآمده. مشکل گزینه ۱ هم این است که نمی‌تواند گذشته را به حال پیوند بدهد.

۲- گزینه «۴» «آیا از وقتی که رسیدی، هیچ‌کدام از دوستانت را ملاقات کرده‌ای؟»

حرف ربط since دو جمله حال کامل و گذشته ساده را با هم ترکیب می‌کند و زمان شروع فعل را نشان می‌دهد.





حرف اضافه **for** (به مدت ...) به عبارت زمان نیاز دارد، نه جمله. گزینه‌های **when** و **while** (وقتی) هم نمی‌توانند با حال کامل به کار بروند، این دو حرف ربط بیشتر برای نشان دادن هم‌زمانی دو عمل استفاده می‌شوند و نمی‌توانند عمل گذشته را به زمان حال ارتباط بدهند.

۳- گزینه «۴» پدر و مادرم در حال حاضر خانه نیستند. رفته‌اند مغازه تا چیزی بگیرند.»

(۱) خواهند رفت (۲) رفتند (۳) رفته است (۴) رفته‌اند

همان کاربرد اول زمان حال کامل: عملی در گذشته انجام شده (رفتن به مغازه) و نتیجه‌اش (در خانه نبودن) در زمان حال، موردنظر گوینده است.

۴- گزینه «۲» «من هفته پیش کرج رفتم، ولی این هفته دو بار رفته‌ام آن‌جا.»

جمله اول، قید زمان گذشته دارد (**last week**)، پس به فعل گذشته ساده نیاز دارد. در جای خالی دوم، باید از بین دو فعل حال کامل یکی را انتخاب کنیم: اگر **have gone** را انتخاب کنیم، یعنی «من رفته‌ام کرج و الان هم در کرج هستم». ولی اگر **have been** را انتخاب کنیم، یعنی «من این هفته دو بار آن‌جا بوده‌ام، ولی الان آن‌جا نیستم».

حال کامل و ۳ الگوی رایج

۱- هنگام بیان تجربه‌هایی که در گذشته داشته‌ایم، از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم:

او در عمرش سوشی نخورده است. **She hasn't eaten sushi in her life.**

آیا هرگز تا بالای برج ایفل رفته‌ای؟ **Have you ever climbed the Eiffel Tower?**

ما هرگز در یک کشور دیگر زندگی نکرده‌ایم. **We have never lived in another country.**

من اجرای زنده گروه محبوبم را دیده‌ام. **I have seen my favorite band in concert.**

۲- وقتی خبر جدیدی را می‌دهیم، معمولاً جمله اول را که اصل خبر است، با حال کامل بیان می‌کنیم. در ادامه، وقتی می‌خواهیم جزئیات بیشتری از آن خبر را به اطلاع شنونده برسانیم، از جمله‌های گذشته ساده استفاده می‌کنیم:

شهرام رفته است استرالیا. او دیشب رفت. **Shahram has gone to Australia. He left last night.**

او دچار حادثه شده است. دیشب از دوچرخه‌اش افتاد. **She has had an accident. She fell off her bike last night.**

۳- استفاده از صفت‌های عالی (برترین) و عددهای ترتیبی (اولین، دومین و ...) در جمله‌های حال کامل رایج است:

این آسان‌ترین شغلی است که تاکنون داشته‌ام. **This is the easiest job I have ever had.**

این اولین باری است که یک فیل واقعی را از نزدیک دیده‌ام. **This is the first time I have seen a live elephant.**



تست‌های واژگانی

انگلیسی (۱) یازدهم

101. The doctor told me that my health was at risk and that I needed to be more physically, eat less and stop smoking.
1) regular 2) active 3) dangerous 4) correct
102. There was a heavy rain in Tehran last night and the difficult driving conditions several accidents.
1) happened 2) developed 3) saved 4) caused
103. Nostradamus was a doctor who is famous for major world events centuries before they happened.
1) measuring 2) preventing 3) predicting 4) feeling
104. During a child's developmental years, they are continuously growing and changing and physically.
1) especially 2) emotionally 3) conditionally 4) frequently
105. The Mona Lisa is Da Vinci's most painting and it's on display at the Louvre Museum in Paris since 1797.
1) real 2) famous 3) recent 4) regular
106. My interest in cultural diversity was one of the reasons I started my PhD research on this subject.
1) main 2) emergency 3) calm 4) secret
107. I'm worried about her; she is in a lot of stress and she has stopped eating She is getting thinner every day.
1) carefully 2) rarely 3) properly 4) quickly
108. Nowadays we all use some sort of technology. It is almost impossible to a world without it.
1) balance 2) contain 3) imagine 4) change
109. I hope you reach your destination safely; and don't forget to call when you get there.
1) above all 2) however 3) for sure 4) at all
110. I didn't have time to read the whole book, so I skimmed through it to get a idea of the text.
1) detailed 2) rare 3) general 4) regular
111. Making mayonnaise is easy, and it tastes better than most store-bought versions.
1) healthy 2) homeless 3) harmless 4) homemade
112. My little brother is asleep in the next room; don't too much noise or you'll wake him up.
1) build 2) make 3) increase 4) get
113. A chemical has been found that may be the to unlocking the mysteries of Parkinson's disease.
1) case 2) key 3) goal 4) practice
114. You shouldn't go back to your normal routine until your condition has improved.
1) honestly 2) fully 3) daily 4) recently
115. The UNICEF estimates that an average of 353,000 babies are each day around the world.
1) asleep 2) created 3) born 4) increased
116. Technological advances have made us lazy and a lot of kids today are overweight
1) lifestyles 2) sportspersons 3) couch potatoes 4) heartbeats
117. My health condition finally began to when I changed to a less stressful job.
1) gain 2) increase 3) look after 4) improve



- 118. My mother wasn't home when I got there but she had a note on my desk saying she was going out.
 1) made 2) checked 3) described 4) left
- 119. Finding a cure for cancer is one of the biggest challenges researchers are facing.
 1) technological 2) physical 3) medical 4) recreational
- 120. My mother is very careful about her health; she goes to her doctor for check-ups.
 1) safe 2) regular 3) balanced 4) natural
- 121. Hamid lost both of his arms in an electrocution accident and his disability him from driving.
 1) confuses 2) forbids 3) attends 4) prevents
- 122. In case of a fire or an earthquake, is the exit of the building suitable for wheelchairs?
 1) emergency 2) secret 3) firefighter 4) preventable
- 123. I'm in town these days - the company is sending me on a lot of business trips.
 1) fully 2) rarely 3) so far 4) often
- 124. what she's saying because she won't explain it a second time.
 1) Take away from 2) Look back at 3) Pay attention to 4) Hang out with
- 125. After his major knee injury he decided to football and try something else.
 1) decrease 2) retire 3) quit 4) change
- 126. The steam engine was one of the greatest developments of the 19th century.
 1) medical 2) technological 3) social 4) traditional
- 127. You should be able to put your experience in electronics to in your new job.
 1) plan 2) risk 3) skill 4) use
- 128. One thing's - once the baby is born, your lives will never be the same again.
 1) in balance 2) for sure 3) in secret 4) forbidden
- 129. This research opens the possibility of being able to find a cure for the illness. The underlined word "illness" is the synonym of
 1) health 2) antibiotic 3) cancer 4) disease
- 130. I waking up early in the morning, but I love to watch a beautiful sunrise.
 1) enjoy 2) disagree 3) dislike 4) think of
- 131. Since it would be a highly dangerous, the military asked for volunteer soldiers.
 1) match 2) mission 3) topic 4) stage
- 132. Broken bones always time to heal, you shouldn't rush.
 1) make 2) get 3) take 4) contain
- 133. The earthquake destroyed a lot of houses and left thousands of people
 1) homeless 2) retired 3) safe 4) patient
- 134. His behavior at the party was very rude to me and it my feelings.
 1) behaved 2) carried 3) prevented 4) hurt
- 135. My grandmother did not die of illness, she died a death at the age of 82.
 1) natural 2) emotional 3) hurtful 4) medical
- 136. Don't worry about Maryam, she's a grown woman and she can herself.
 1) look at 2) look after 3) look for 4) look back at



متن و مهارت؛ قسمت دوم

کفگیر سوراخ‌دار

- ۱ یک کفگیر سوراخ‌دار (skimmer) بردارید و آن را کاملاً در قابلمه سوپ مرغ فرو ببرید. حالا آن را بالا بیاورید و به محتویات آن خوب نگاه کنید. آنچه می‌بینید، مواد اصلی و مهم یک سوپ مرغ است. به این کار می‌گویند skimming (سطحی خوانی).
- ۲ وقتی قرار است به سؤال‌های یک متن درک مطلب جواب بدهید، اول آن را «سطحی خوانی» کنید. از آن جایی که مضمون اصلی (main idea) هر پاراگراف معمولاً به وضوح در جمله اول آن پاراگراف ذکر می‌شود، پس برای «سطحی خوانی»، کافی است خط اول هر پاراگراف را بخوانید.
- ۳ مهم‌ترین پاراگراف‌های هر متن، پاراگراف‌های اول و آخر هستند. پس سرعت «سطحی خوانی» شما در این دو پاراگراف باید «کم‌تر» باشد، تا چیز «بیشتری» دست‌گیرتان شود.
- ۴ اگر همان اول کار فهمیدید که با موضوع (topic) متن آشنایی قبلی دارید، می‌توانید با سرعت بیشتری «سطحی خوانی» کنید.
- ۵ متن‌های «غیرداستانی» جان می‌دهد برای «سطحی خوانی»؛ ولی ممکن است این تکنیک در متن‌های «داستانی» و «روایی» - از جمله «زندگی‌نامه‌ها» - خوب جواب ندهد.
- ۶ متن‌های کنکور به بلندی متن‌های «تافل» و «آیلتس» نیست. معمولاً بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه است. پس اگر زبانتان خیلی خوب است، می‌توانید با سرعت زیاد، تمام متن را یک‌نفس «سطحی خوانی» کنید. فقط یادتان باشد که درگیر جزئیات نشوید و مواظب باشید که متن شما را با خودش نبرد.
- ۷ «عنوان» یا «موضوع» (topic) متن چیزی است که متن درباره آن صحبت می‌کند. ولی «مضمون اصلی» (main idea) یک کم پیچیده‌تر از «عنوان» است؛ «مضمون اصلی» یعنی حاصل جمع «موضوع متن» و «نظر نویسنده در مورد آن موضوع». فرض کنید «موضوع» یک متن «سبزیجات» است؛ در حالی که «مضمون اصلی» آن این است که «چرا بچه‌ها از سبزیجات خوششان نمی‌آید».
- ۸ یکی از سؤال‌های رایج در متن‌های کنکور، انتخاب «بهترین عنوان» (best topic) برای متن است. برای انتخاب «بهترین عنوان»، خط اول پاراگراف‌های اول و دوم و آخر را به دقت بخوانید. چرا دوم؟ چون ممکن است نویسنده در پاراگراف اول، قبل از شروع بحث، مقدمه‌چینی کرده باشد و سراغ موضوع اصلی نرفته باشد.
- ۹ یکی دیگر از انواع سؤال‌های متن در کنکور، تشخیص «مضمون اصلی» متن است. برای پاسخ‌گویی به این سؤال، باید خط اول تمام پاراگراف‌ها را بخوانید.
- ۱۰ و بالاخره این که اگر از شما پرسیدند که «مضمون اصلی» یا «عنوان مناسب» برای فلان پاراگراف چیست، حتماً خط اول و آخر آن پاراگراف را با سرعت کم بخوانید و در عین حال، «مضمون اصلی» کل متن را هم در نظر داشته باشید. یادتان باشد که «مضمون اصلی» هر پاراگراف، در خدمت «مضمون اصلی» کل متن است.

SYNONYMS / مترادف‌ها

انگلیسی (۲) یازدهم

مترادف هر کلمه یا عبارت، کلمه یا عبارتی است که دقیقاً همان معنی، یا تقریباً همان معنی را می‌دهد. کلمه‌های car و automobile همیشه با هم مترادف‌اند، ولی گاهی دو کلمه فقط در یک کاربرد خاص با هم مترادف‌اند. مثلاً کلمه‌های tongue و language تنها در معنی «زبان گفتاری/نوشتاری» با هم مترادف محسوب می‌شوند. مثال‌های زیر را برای خودتان ترجمه کنید تا مطلب دستتان بیاید:

Older immigrants have difficulty learning a foreign tongue / language.

I burnt my tongue on some soup last night. (NOT . . . I burnt my language . . .)

• در جدول زیر برای بعضی از کلمه‌های درس ۱ مترادف آورده‌ام. آیا می‌توانید مترادف‌های بیشتری برای این کلمه‌ها پیدا کنید؟

at last : finally	بالأخره
absolutely : completely	کاملاً
activity : work	فعالیت
additional : extra	اضافی
amazing : wonderful	عالی
appropriate : suitable, right, proper	مناسب
around : about	حدود
beautiful : attractive	زیبا
begin : start	شروع کردن، شروع شدن
belief : opinion	نظر، عقیده
besides : in addition to, also	به علاوه هم‌چنین، علاوه بر
comprehension : understanding	درک، فهم
develop : grow, form, invent	پرورش دادن، گسترش دادن، ساختن
earlier : before	قبلاً
end : finish	تمام کردن، تمام شدن
enjoy : like	لذت بردن، دوست داشتن
exchange : change	مبادله کردن، عوض کردن
exist : live	وجود داشتن، زنده بودن
fast : quick	سریع
fluent : well-spoken	روان
following : next	بعدی
forest : jungle	جنگل
form : make up	ساختن، شکل دادن
fortunately : luckily	خوشبختانه
hard : difficult	دشووار
honest : truthful	صادق
information : data, facts	اطلاعات
interesting : attractive	جالب
international : foreign	بین‌المللی، خارجی
keep off : stay away	وارد جایی نشدن
know : understand	دانستن، فهمیدن

knowledge : science	دانش، آگاهی
large : big	بزرگ
largely : greatly	به شدت، خیلی
live : alive, living	زنده
native : domestic	بومی، داخلی، محلی
nearly : almost	تقریباً
need : want	نیاز داشتن، خواستن
notice : attention	توجه
often : frequently	اغلب
old : ancient	قدیمی
popular : favorite	محبوب
powerful : strong	قدرتمند
price : cost	بها، ارزش
project : plan, program	طرح، برنامه
quiet : silent, peaceful	ساکت، آرام
quit : give up	دست کشیدن از
range : vary	فرق داشتن، متفاوت بودن
really : actually	واقعاً
receive : take	دریافت کردن، گرفتن
region : field	منطقه، حوزه
seek : search for, look for	جست‌وجو کردن
similar : alike	شبهه
simple : easy	ساده
small : tiny	کوچک
surprising : amazing	حیرت‌انگیز
therefore : so	بنابراین
think of : imagine	تصور کردن
tongue : language	زبان
type : kind, sort	نوع
usually : normally	معمولاً
wrongly : incorrectly	به اشتباه

Mars is the site of Olympus Mons, the largest volcano and second-highest known mountain in the Solar System, and of Valles Marineris, one of the largest valleys in the Solar System. The smooth Borealis basin in the northern hemisphere covers 40% of the planet.

(آزمون سراسری، گروه ریاضی، ۱۳۹۵)

4. The word "one" refers to

- 1) Valles Marineris 2) Olympus Mons 3) mountain 4) volcano

ترجمه متن‌ها و پاسخ سؤال‌های ارجاعی

سال‌های زیادی است که مردم سعی دارند یک زبان جهانی ساده ابداع کنند که در سرتاسر جهان به عنوان ابزار مشترک ارتباطی عمل کند. در سیصد سال اخیر، بیش از هفتصد زبان این‌چنینی پیشنهاد شده است. موفق‌ترین و محبوب‌ترین آن‌ها زبانی است به نام اسپرانتو.

۱- کلمه «آن‌ها» به چه برمی‌گردد؟

- (۱) سال‌ها (۲) ابزار (۳) مردم (۴) زبان‌ها

ژن‌های زنانه نیز به زنان کمک می‌کند. دانشمندان هنوز دقیقاً مطمئن نیستند که چه طور ژن‌ها بر فرایند پیری تاثیر می‌گذارند، اما معتقدند که آن‌ها این کار را انجام می‌دهند. بعضی‌ها فکر می‌کنند که سلول‌های بدن زن نسبت به سلول‌های بدن مرد، آهسته‌تر به سمت پیری می‌روند. دیگران فکر می‌کنند که سلول‌های بدن مرد تمایل دارند که سریع‌تر پیر شوند. به نظر می‌رسد که تحقیقات اخیر هر دو احتمال را پشتیبانی می‌کند.

۲- کلمه «آن‌ها» به برمی‌گردد.

- (۱) زنان (۲) ژن‌ها (۳) دانشمندان (۴) سلول‌های بدن

لایه خامه‌ای که بر سطح شیر شناور است از گلبول‌های چربی ساخته شده است. علاوه بر کازئین و چربی، که هر دو می‌توانند دیده شوند، شیر حاوی نوعی قند نیز هست که لاکتوز نام دارد و در آن حل شده است. مواد معدنی، مخصوصاً کلسیم و فسفر (که برای ساخت استخوان و دندان مهم‌اند) و اکثر ویتامین‌های ضروری برای حیات و سلامت نیز در شیر گنجانده شده است.

۳- کلمه «آن» اشاره دارد به

- (۱) قند (۲) چربی (۳) شیر (۴) کازئین

کوه المپوس، بزرگ‌ترین آتشفشان و دومین کوه بلند شناخته‌شده در منظومه شمسی، و نیز دره‌وار ماریتر، یکی از بزرگ‌ترین دره‌های منظومه شمسی، در مریخ قرار دارد. ناحیه آبریز هموار بورالیس در نیم‌کره شمالی، ۴۰ درصد از این سیاره را می‌پوشاند.

۴- کلمه «یکی» برمی‌گردد به

- (۱) دره‌وار ماریتر (۲) کوه اولمپوس (۳) کوه (۴) آتشفشان



متن های کلوز و درک مطلب

doze 1

⊙ A carpet is a piece of woven textile. Generally, carpets are used to make spaces more beautiful and to make walking on the floor quieter. Carpets are warmer and (251) than hard floors such as hardwood and tile. Rugs and carpets originated in Central Asia, (252) the idea of machine manufacture was invented in Europe. So there are two different kinds of things: one is hand-made by traditional methods and the other (253) by machine. Rugs are smaller in size, often placed over a carpet, and often decorated. It is common for rugs and carpets to be used as (254) objects on the wall. Traditional rugs from the Middle East are hand-made and may be (255) In some countries carpets are designed in a way to tell stories. They can tell history of family or something important that happened.

251. 1) richer 2) simpler 3) softer 4) prouder
 252. 1) if 2) but 3) because 4) or
 253. 1) woven 2) collected 3) chosen 4) reflected
 254. 1) traditional 2) sociable 3) touching 4) decorative
 255. 1) buying expensively 2) expensive to buy
 3) expensive buying 4) to buy expensively

doze 2

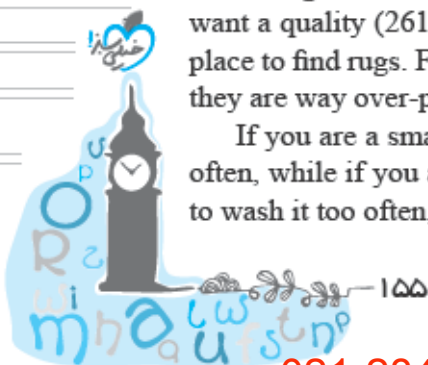
⊙ Mohammad Ghaffari, better known as Kamal-ol-Molk, was an Iranian painter and part of the Ghaffari family in Kashan. Following Naser al-Din Shah's death, he found it (256) under his son, Mozaffar ad-Din Shah. Therefore, he set out for Europe in 1898, at the age of 47 (257) his art. Once there, he had (258) with famous European artists on style and technique, and copied some of Rembrandt's works, (259) "Self Portrait", "Jonah", and "Saint Matthew". Kamal-ol-Molk visited most of Europe's museums and closely studied the works of some (260) artists such as Raphael, and Titian. He stayed in Europe for about four years. In 1902, he returned to Iran.

256. 1) a possible work 2) an impossible work 3) possible to work 4) impossible to work
 257. 1) improving 2) for improving 3) to improve 4) that improve
 258. 1) discounts 2) discussions 3) disagreements 4) disorders
 259. 1) including 2) that will include 3) to include 4) and included
 260. 1) fortunate 2) amazed 3) interested 4) well-known

doze 3

⊙ Iranian carpets are very famous, both the handmade and the factory ones, this is why it's something to think of when you are gift shopping in Iran for your relatives and close friends. If you want a quality (261) for a very nice present, always ask (262) where it's the best place to find rugs. For example, the bazaar around Imam Square in Isfahan has many carpet shops, but they are way over-priced. However, they usually give you a (263) if you ask them.

If you are a small family of one and two, you can choose a light color as you won't make it dirty often, while if you are a bigger family you (264) a darker colored carpet so you don't have to wash it too often, because (265) the life of the carpet.



- | | | | |
|--------------------------|--------------|----------------------|----------------|
| 261. 1) custom | 2) tile work | 3) product | 4) calligraphy |
| 262. 1) morals | 2) materials | 3) metals | 4) locals |
| 263. 1) range | 2) discount | 3) reflection | 4) diversity |
| 264. 1) should buy | 2) will buy | 3) shouldn't buy | 4) won't buy |
| 265. 1) decrease washing | | 2) washing decrease | |
| 3) decreases washing | | 4) washing decreases | |

doze 4

☉ Thanks for your message; (266) great to hear your news. I'm very busy at the moment because my exams start next week. If I get the right grades, I will start my university course in September. But if I do well enough in them, I (267) able to go to that university. So I'm working very hard.

Thanks (268) and stay with you during the summer. I will do it if the flights aren't too expensive. I'm planning to get a job for a few weeks and I will save enough money to come if I find one. It will be a pity if we (269) each other, so I'll do my best.

Other news? Well, the weather's terrible here at the moment. If (270) improve, I think I will go mad! I hope you're OK. If you write to me again soon, I will reply as quickly as I can.

- | | | | |
|------------------------------|--------------|--------------------------------|----------------|
| 266. 1) there was | 2) it was | 3) there has been | 4) it has been |
| 267. 1) am | 2) have been | 3) was | 4) will be |
| 268. 1) to invite me to come | | 2) for inviting me that I come | |
| 3) to invite me that I come | | 4) for inviting me to come | |
| 269. 1) see | 2) don't see | 3) will see | 4) won't see |
| 270. 1) I don't | 2) I won't | 3) it doesn't | 4) it won't |

doze 5

☉ Africa is a large and (271) continent. Its history is filled with the rise and fall of numerous civilizations and empires. As a result, the art of Ancient Africa is varied. However, there are some common themes throughout much of African art. Ancient African art can be divided into (272) The art of northern Africa was greatly influenced by the Arabs after the arrival of Islam. (273), the art of Ethiopia and the Horn of Africa was influenced by Europe and Christianity.

The art of Ancient Africa was produced using a (274) range of materials. Unfortunately, a lot of African art was produced using wood, which has since been destroyed by time and the elements. Other materials, such as (275) (like bronze and iron), ceramics, and ivory still exist.

- | | | | |
|---------------------|---------------|------------|--------------|
| 271. 1) former | 2) diverse | 3) shocked | 4) moral |
| 272. 1) collections | 2) traditions | 3) regions | 4) charities |
| 273. 1) Similarly | 2) Hopefully | 3) Luckily | 4) Proudly |
| 274. 1) cheerful | 2) touching | 3) amazed | 4) vast |
| 275. 1) handicrafts | 2) objects | 3) metals | 4) products |

doze 6

☉ The Louvre Museum is one of the very best museums in the world. It was first opened to the public in 1793 with a (276) of 537 paintings and 184 other art works. Since that time it (277) into one of the largest museums in the world. The museum is simply too large (278) in one day. It has 60,500 square meters of floor space with over 35,000 paintings, sculptures and artifacts and it receives nearly 10 (279) per year, making it by far the world's most (280) museum.





نگاهی به ۵۰ کلمه مهم درس

ability /ə'bi:ləti/ <i>n</i> توانایی	I have students in my class of very mixed abilities . من دانش‌آموزانی در کلاس خود دارم که توانایی‌های مختلفی دارند.
absolutely /'æbsə'lju:tli/ <i>adv</i> کاملاً □ مطلقاً □ حتماً □ مسلماً	You must be absolutely silent or the birds won't appear. باید کاملاً ساکت باشی وگرنه سروکله پرنده‌ها پیدا نمی‌شود.
additional /ə'dɪfənəl/ <i>adj</i> اضافی، بیشتر	Non-members must pay an additional 50 dollars. کسانی که عضو نیستند باید یک ۵۰ دلار اضافی بپردازند.
almost /'ɑ:l'məʊst/ <i>adj</i> تقریباً	Most artists find it almost impossible to make a living from art alone. برای بیشتر هنرمندان تقریباً غیرممکن است که فقط از هنر مخارج خود را تأمین کنند.
at last /ət 'læst/ <i>adv</i> بالأخره	After months of looking he found a job at last . بعد از ماه‌ها جست‌وجو، او بالأخره کار پیدا کرد.
belief /bə'li:f/ <i>n</i> اعتقاد، باور	His belief in God gave him hope during difficult times. اعتقاد او به خدا، در زمان‌های دشوار به او امید می‌داد.
besides /br'saɪdɪz/ <i>prep, adv</i> علاوه بر، سوای □ به علاوه	Do you play any other sports besides football and basketball? آیا علاوه بر فوتبال و بسکتبال، ورزش دیگری را هم انجام می‌دهی؟
candle /'kændl/ <i>n</i> شمع	Before you blow out the candles on the cake, you should make a wish. قبل از این که شمع‌های روی کیک را فوت کنی، باید یک آرزو بکنی.
century /'sentʃəri/ <i>n</i> قرن	Life in the 19 th century was very different from what it is now. زندگی در قرن نوزدهم با آنچه اکنون هست، خیلی تفاوت داشت.
communicate /kə'mju:nə'keɪt/ <i>v</i> مستقل کردن □ تماس برقرار کردن □ بیان کردن	Using the Net, we can now communicate instantly with people on the other side of the world. با استفاده از اینترنت، ما اکنون قادریم فوراً با مردم در سمت دیگر دنیا تماس برقرار کنیم.
continent /'kɑ:ntənənt/ <i>n</i> قاره	According to Wegener's theory, all the continents were once joined together. طبق نظریه وگنر، تمام قاره‌ها قبلاً به همدیگر متصل بودند.
despite /dɪ'spaɪt/ <i>prep</i> با وجود ...	He ate a big lunch despite having eaten an enormous breakfast. با وجود خوردن یک صبحانه مفصل، نهار زیادی خورد.
difference /'dɪfrəns/ <i>n</i> تفاوت	What is the difference between a chimpanzee and a monkey? تفاوت بین شامپانزه و میمون چیست؟
disappear /dɪsə'piə/ <i>v</i> ناپدیدشدن	The sun disappeared behind a cloud. خورشید پشت یک ابر ناپدید شد.
exist /ɪg'zɪst/ <i>v</i> وجودداشتن	A special closeness usually exists between twins. معمولاً یک نزدیکی خاصی بین دوقلوها وجود دارد.
experience /ɪk'spɪrɪjəns/ <i>n</i> تجربه	I know from experience that she never keeps her promises. از روی تجربه می‌دانم که او هرگز به قول‌هایش عمل نمی‌کند.
fluently /'flu:wənt/ <i>adv</i> روان، با فصاحت	Mina speaks English so fluently that people usually take her as an American. مینا آن قدر روان انگلیسی صحبت می‌کند که مردم معمولاً فکر می‌کنند اهل آمریکاست.
grade /'ɡreɪd/ <i>n</i> [امتحان] نمره □ درجه □ میزان	She never studies, but I don't know how she always gets good grades . او هرگز درس نمی‌خواند، اما نمی‌دانم چه‌طور همیشه نمره خوبی می‌گیرد.



نگاهی به ۵۰ کلمه مهم درس

greatly /'grɛtli/ <i>adv</i> بسیار زیاد، خیلی، به شدت	Her piano playing has greatly improved recently. پیانوزدن او اخیراً خیلی بهتر شده است.
imagine /ɪ'mædʒɪn/ <i>v</i> تصور کردن □ خیال کردن، فکر کردن	Can you imagine how it feels to be blind? آیا می‌توانی تصور کنی که نابینا بودن چه حسی دارد؟
keep off /'ki:p 'ɔ:f/ وارد جایی نشدن □ وارد چیزی نشدن	It's best to keep off politics when my father is here. بهتر است وقتی پدرم این‌جا است وارد بحث‌های سیاسی نشویم.
live /laɪv/ <i>adj</i> زنده	A live weakened virus vaccine is effective in preventing some of these diseases. یک واکسن [حاوی] ویروس زنده ضعیف‌شده در پیش‌گیری از بعضی از بیماری‌ها مؤثر است.
loaf /'ləʊf/ <i>n</i> [نان] دانه، قرص	Time was you could buy a loaf of bread for one Toman. یک زمانی می‌توانستی یک دانه نان را یک تومان بخری.
luckily /'lʌkəli/ <i>adv</i> خوشبختانه	Luckily , no one was inside the building when it collapsed. خوشبختانه وقتی ساختمان فروریخت، کسی داخل آن نبود.
make up /,meɪk 'ʌp/ ساختن، درست کردن، تشکیل دادن	Road accident victims make up almost a quarter of the hospital's patients. قربانیان تصادفات تقریباً یک چهارم بیماران بیمارستان را تشکیل می‌دهند.
means /mi:nz/ <i>n</i> وسیله □ شیوه	She tried to explain by means of sign language. او سعی کرد به وسیله زبان اشاره، منظورش را برساند.
meet (the needs of) /'mi:t/ برآورده کردن (نیازهای ...)	We haven't yet been able to find a house that meets our needs. ما هنوز نتوانسته‌ایم خانه‌ای پیدا کنیم که نیازهایمان را برآورده کند.
mental /'mentl/ <i>adj</i> ذهنی □ روانی	His physical and mental health had got worse. [وضع] سلامت جسمی و روانی‌اش بدتر شده بود.
mother tongue /'mʌðə ,tʌŋ/ زبان مادری	He speaks French like his mother tongue , though he has never been to France. زبان فرانسه را مثل زبان مادری‌اش صحبت می‌کند، هر چند که هرگز به فرانسه نرفته است.
native /'neɪtɪv/ <i>adj</i> بومی □ محلی □ مادری، آبا و اجدادی	Unfortunately, his work is barely known in his native country of Sweden. متأسفانه، کار او در کشور آبا و اجدادی خودش، سوئد، به ندرت شناخته‌شده است.
nearly /'niəli/ <i>adv</i> تقریباً	She's nearly as tall as her father now. او حالا تقریباً هم‌قد پدرش است.
no matter /'nəʊ ,mætəv/ بدون توجه به این‌که، مهم نیست که	I never seem to lose any weight, no matter how hard I try. به نظر نمی‌رسد که هرگز وزن کم کنم؛ مهم نیست که چه قدر سخت تلاش کنم.
nowadays /'nəʊ ,deɪz/ <i>n</i> امروزه، این روزها	The first mobile phones were heavy to use, but nowadays they are much easier to handle. تلفن‌های همراه اولیه سنگین بودند، اما امروزه حمل آن‌ها خیلی راحت‌تر است.
parking lot /'pɑ:kɪŋ ,lə:t/ پارکینگ	The parking lot near the hospital is only for the staff. You may not park there. پارکینگ نزدیک بیمارستان فقط برای کارکنان است. نمی‌توانی آن‌جا پارک کنی.
percent /pə'sent/ <i>n</i> درصد	They offer a 10 percent discount on rail travel for students. آن‌ها روی سفرهای ریلی، به دانشجویان ۱۰ درصد تخفیف ارائه می‌دهند.
physical /'fɪzɪkəl/ <i>adj</i> بدنی، جسمی □ مادی، واقعی □ فیزیکی	My doctor said the problem was more emotional than physical . دکترم می‌گفت مشکل بیشتر از آن‌که جسمی باشد، روحی است.



نگاهی به ۵۰ کلمه مهم درس

pick /pɪk/ v برداشتن □ انتخاب کردن □ چیدن	He picked a pencil out of the drawer and began to write. او مدادی از داخل کشو برداشت و شروع به نوشتن کرد.
point /pɔɪnt/ n نکته □ مطلب □ امتیاز	You made some interesting points in your speech. تو در سخنرانی‌ات به نکته‌های خوبی اشاره کردی.
population /ˌpɔ:pjə'leɪʃən/ n جمعیت	The population of the US is bigger than that of Britain, France and Germany put together. جمعیت ایالات متحده از مجموع جمعیت بریتانیا و فرانسه و آلمان بیشتر است.
range /'reɪndʒ/ v متغیر بودن	Dress sizes range from petite to extra large. اندازه لباس‌ها از سایز کوچک تا بسیار بزرگ متغیر است.
region /'ri:dʒən/ n ناحیه	It's in the poorer, underdeveloped region of the country that the biggest problems exist. در ناحیه فقیرتر و توسعه‌نیافته کشور است که بزرگ‌ترین مشکلات وجود دارد.
scan /'skæn/ v نگاه اجمالی انداختن □ ورنانداز کردن	I scanned the book quickly, and decided not to buy it. من به سرعت یک نگاه اجمالی به کتاب انداختم و تصمیم گرفتم آن را نخرم.
simply /'sɪmpli/ adv فقط □ واقعاً □ کاملاً □ به سادگی	I don't like my job; I simply do it for the money. از شغلم خوشم نمی‌آید؛ فقط برای پولش است که آن را انجام می‌دهم.
slice /'slaɪs/ n تکه، قطعه □ ورقه، برش	Would you like a slice of lemon in your tea? آیا برای چایتان، یک تکه لیمو می‌خواهید؟
society /sə'saɪəti/ n جامعه	We must also consider the needs of the older members of society . ما باید نیازهای اعضای مسن‌تر جامعه را نیز در نظر بگیریم.
specific /spɪ'sɪfɪk/ adj مشخص □ خاص	The virus attacks specific cells in the brain. این ویروس به سلول‌های خاصی در مغز حمله می‌کند.
take notice of /,teɪk 'nəʊtɪs ɒv/ توجه کردن به	Eventually, the government will have to take notice of public opinion. دولت بالاخره مجبور خواهد بود به نظر عمومی توجه کند.
to be honest /tə,bɪ:'ɑ:nɪst/ راستش را بخواهی	To be honest , you look too fat in that dress. راستش را بخواهی، در آن لباس خیلی خیلی چاق به نظر می‌رسی.
valuable /væljəbəl/ adj ارزشمند □ قیمتی □ مفید	He was able to provide the police with some valuable information. او توانست اطلاعات ارزشمندی در اختیار پلیس قرار بدهد.
vary /'veri/ v متفاوت بودن □ تغییر کردن □ نوسان داشتن	My taste in classical music varies greatly, but I usually prefer Mozart or Brahms. سلیقه من در موسیقی کلاسیک خیلی متفاوت است (طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود)، ولی معمولاً موتسارت و برامس را ترجیح می‌دهم.



پاسخنامه تشریحی

۱- «گزینه ۲» زهرا نمی‌تواند وارد خانه‌اش شود، چون کلیدهایش را گم کرده است.

- (۱) گم می‌کند
(۲) دارد گم می‌کند
(۳) گم کرده است
(۴) گم کرد

این همان کاربرد اول زمان حال کامل است که نشان می‌دهد عملی در زمان گذشته انجام شده، و نتیجه‌اش در زمان حال مورد توجه ماست. زهرا در گذشته (مهم نیست دقیقاً چه زمانی) کلیدهایش را گم کرده، در نتیجه الان نمی‌تواند وارد خانه شود. در تست‌های زمان، توجه به ترجمه دقیق گزینه‌ها مهم است.

۲- «گزینه ۲» «ستنن ظرف باعث می‌شود من بابت [داشتن] آب گرم و تمیز شکرگزار باشم.»

وقتی یک **gerund** (اسم مصدر)، به تنهایی یا همراه با یک عبارت، در نقش فاعل ظاهر می‌شود، باید مفرد در نظر گرفته شود و با فعل مفرد به کار برود. پس گزینه‌های ۲ و ۴ را کنار می‌گذاریم. مشکل گزینه ۱ این است که بین فعل (**makes**) و مفعول (**me**) فاصله انداخته است. یادتان باشد که قیدهایی تکرار، از جمله همین **always** (همیشه)، معمولاً قبل از فعل اصلی، و بعد از فعل کمکی می‌آیند، و البته می‌توانند در ابتدای جمله هم قرار بگیرند.

۳- «گزینه ۲» «یکی از دوستانم به مدت ۱۵ سال در بانک کار کرد. بعد، آن کار را رها کرد.»

- (۱) داشت کار می‌کرد
(۲) کار کرده است
(۳) کار کرد
(۴) کار کرده‌اند

عبارت زمانی که با **for** (به مدت ...) ساخته می‌شود، اختصاصاً در زمان حال کامل به کار نمی‌رود. اگر گزینه حال کامل را انتخاب کرده باشید، منظورتان این است که «یکی از دوستانم» هنوز هم دارد در بانک کار می‌کند. در صورتی که این طور نیست و جمله دوم نشان می‌دهد که او کار خود را در بانک رها کرده است.

۴- «گزینه ۴» «آیا هنوز خواندن آن مجله را تمام نکرده‌ای؟»
در ساختار حال کامل، بعد از فعل کمکی **have** از قسمت سوم فعل (**pp**) استفاده می‌کنیم. پس گزینه‌های ۱ و ۲ که از فعل ساده (**finish**) استفاده کرده‌اند، نادرست‌اند. فعل **finish** جزو آن دسته فعل‌های خاصی است که فعل بعد از خود را به شکل **gerund** (اسم مصدر) درمی‌آورد. پس گزینه ۳ هم که از مصدر استفاده کرده، نادرست است.

۵- «گزینه ۲» «آن‌ها هنوز دارند جاده جدید را می‌سازند. هنوز آن را تمام نکرده‌اند.»

- (۱) تمام نمی‌کنند
(۲) تمام نکردند
(۳) تمام نکرده‌اند
(۴) مجبور نیستند تمام کنند

این کاربرد دوم حال کامل است و نشان می‌دهد عملی که در گذشته شروع شده، هنوز به پایان نرسیده است و ادامه دارد. خوب است در این تست به کاربرد قیدهایی **yet** و **still** (هنوز) دقت کنید. قید **yet** مخصوص جمله‌های سؤالی و منفی است. قید **still** بیشتر در جمله‌های مثبت یا منفی خبری به کار می‌رود. این دو قید در زمان‌های مختلف می‌آیند و کاربرد آن‌ها محدود به جمله‌های حال کامل نیست.

۶- «گزینه ۲» «تصور کن هیچ جایی را برای زندگی نداشته باشی. آن وقت چه کار می‌کنی؟»

فعل **imagine** (تصور کردن) جزو فعل‌های خاصی است که فعل بعد از خود را به شکل **gerund** (اسم مصدر) درمی‌آورد. برای منفی کردن **gerund** (اسم مصدر) کافی است مثل گزینه ۲، یک **not** به قبل از آن اضافه کنیم. در گزینه ۱، قبل از **gerund** (اسم مصدر) از **no** استفاده شده؛ این ترکیب فقط در تابلوهای هشداردهنده و بعد از عبارت **there is** کاربرد دارد.

۷- «گزینه ۲» «من مدت‌های مدیدی است که روزیه را ندیده‌ام. او از شهریور [تا حالا] به دیدن ما نیامده است.»

حرف اضافه **for** (به مدت ...) نشان‌دهنده طول زمان است؛ در حالی که حرف اضافه **since** (از ... تا حالا) نشان‌دهنده نقطه شروع فعل است و تأکید می‌کند که این فعل تا زمان حال طول کشیده است. به همین خاطر است که کاربرد **since** محدود و منحصر به زمان‌های کامل است. البته **since** می‌تواند به عنوان حرف ربط هم به کار برود و بعد از خود یک جمله را بپذیرد. در این صورت آن را به شکل «از وقتی که ... [تا حالا]» ترجمه می‌کنیم. راستی؛ اصطلاح **for ages** اصطلاح رایجی است و در فارسی به شکل «مدت‌های مدید، سالیان سال» ترجمه می‌شود.

۸- «گزینه ۴» با توجه به حضور **since** (از وقتی که) و جمله بعد از آن، سراغ گزینه‌های ۳ و ۴ می‌رویم که در زمان حال کامل است؛ و با توجه به حضور دو **gerund** (اسم مصدر) در ابتدای جمله (خواندن و نوشتن) فعل جمله را به صورت جمع (**have**) می‌آوریم.

۹- «گزینه ۲» «متأسفانه جاده بسته است. تصادف شده است.»

(۱) شد (۲) شده است (۳) بی‌معنی (۴) بی‌معنی
قسمت سوم فعل **to be** به شکل **been** است و به صورت «بوده/شده» ترجمه می‌شود. گزینه ۳ نمی‌تواند به تنهایی بعد از فاعل جمله قرار بگیرد و حتماً قبل از خود نیاز به یک فعل کمکی از خانواده **have** دارد. گزینه ۴ هم اگر به تنهایی به کار برود معنی «داشتن، خوردن» می‌دهد که اصلاً به این جمله نمی‌خورد. یادتان باشد که فعل‌های کمکی **has** و **have** در جمله‌های حال کامل، معنی خاصی ندارند و فقط به صرف فعل اصلی (**pp**) کمک می‌کنند.

۱۰- «گزینه ۲» «وقتی حرف می‌زنم، می‌توانم منظوم را به زبان انگلیسی برسانم، ولی نوشتن به زبان انگلیسی خیلی دشوار است.»

- (۱) وقتی می‌نویسم
(۲) نوشتن
(۳) بعد از نوشتن
(۴) نوشته‌ها

بعد از حرف ربط **but** یک جمله جدید شروع شده است که فاعل آن یک **gerund** (اسم مصدر) است، یعنی **writing** (نوشتن). و فعل آن هم فعل مفرد **is** است. در جمله‌ای که برایتان ترجمه کرده‌ام، تک‌تک گزینه‌ها را به جای «نوشتن» که زیر آن خط کشیده‌ام، قرار بدهید تا بفهمید چرا نمی‌توانند صحیح باشند. در ضمن، شما با ساختار گزینه ۲ آشنا نیستید، اما فعلاً می‌توانید آن را معادل **after writing** (بعد از نوشتن) در نظر بگیرید تا در متن‌های درک مطلب کارتان راه بیفتد.



۱۱- گزینه ۴ «من شوهر مرجان را نمی شناسم. هرگز او را ملاقات نکرده‌ام.»

- (۱) نشناختم - هرگز ملاقات نمی کنم
- (۲) نمی شناختم - هرگز ملاقات نکرده‌ام
- (۳) نشناختم - هرگز ملاقات نکردم
- (۴) نمی شناسم - هرگز ملاقات نکرده‌ام

این همان کاربرد اول حال کامل است: عملی در گذشته (ملاقات نکردن) باعث شده نتیجه‌ای در زمان حال (نشناختن شوهر مرجان) مورد توجه قرار بگیرد.

۱۲- گزینه ۲ «خوشبختانه پدرم وقتی متوجه تابلوی «شناکردن ممنوع!» شد، که ما حسابی در آب کیف کرده بودیم.»

ترکیب «No + ... ing» در تابلوهای هشداردهنده به کار می‌رود و در فارسی به شکل «... ممنوع!» ترجمه می‌شود. گزینه ۳ هم گرچه این ساختار را رعایت کرده، اما به جای «شناکردن ممنوع!» گفته است: «رفتن به شنا ممنوع!» که رایج نیست. به علاوه، انگلیسی‌زبان‌ها ترجیح می‌دهند دو gerund (اسم مصدر) را به دنبال هم نیاورند.

۱۳- گزینه ۲ «این یک واقعیت شناخته شده است که زنان عموماً بیشتر از مردان عمر می‌کنند.»

- (۱) عمر کرده است (۲) عمر می‌کنند
- (۳) عمر کرده‌اند (۴) عمر می‌کند

گزینه‌های ۱ و ۴ که مرخص‌اند! فاعل جمله اسم جمع (women) است، نه مفرد (woman). ولی از بین دو گزینه دیگر، زمان حال ساده را انتخاب می‌کنیم، نه زمان حال کامل را. یکی از مهم‌ترین کاربردهای زمان حال ساده، بیان واقعیت‌های علمی و طبیعی است.

۱۴- گزینه ۲ «آیا هرگز به چین رفته‌ای؟» «بله، من دوباره به چین رفته‌ام.» این تست نکته ساده و مهمی دارد. نگاه کنید:

He has been to China.

او به چین رفته است (اما الان در چین نیست).

He has gone to China.

او به چین رفته است (و الان هم در چین است).

باز هم از این نوع تست برایتان گذاشته‌ام؛ صبر کنید.

۱۵- گزینه ۳ «او از وقتی که دستش شکست، قادر نبوده است که تنیس بازی کند.»

- (۱) بی‌معنی (۲) نبود (۳) نبوده است (۴) بی‌معنی

گزینه ۱ برای معنی‌دار شدن به قسمت سوم یک فعل (pp) نیاز دارد. چون بعد از جای خالی، صفت able (قادر، توانا) به کار رفته، پس حضور فعل اسنادی to be ضروری است. مشکل گزینه ۲، مشکل زمان است. حضور since به همراه جمله گذشته باعث می‌شود سراغ گزینه حال کامل برویم تا نشان بدهیم حالتی از گذشته شروع شده و همچنان برقرار است.

۱۶- گزینه ۴ «پدرم قبلاً زیاد شکار می‌کرد. ولی از وقتی بازنشسته شد [تا حالا] فقط یکی دو بار به شکار رفته است.»

با توجه به جمله since he retired (از وقتی بازنشسته شد) حتماً سراغ گزینه‌های حال کامل، یعنی گزینه‌های ۲ و ۴ می‌رویم. قبلاً برایتان گفتم که وقتی از فعالیت‌های ورزشی و تفریحی حرف می‌زنیم و زمان شروع و پایان آن برایمان مهم نیست، از ترکیب «Go + ... ing» استفاده می‌کنیم؛ درست عین گزینه ۴.

۱۷- گزینه ۲ «دیروز باران آمد، اما امروز هنوز باران نیامده است.»

- (۱) باران نیامد (۲) باران نیامده است
- (۳) باران ندارد (۴) باران نداشت

معنی جمله و گزینه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که چرا گزینه ۲ را انتخاب می‌کنیم. دقت کنید که «هنوز امروز است، و احتمال دارد که باران بیاید.» ولی خوب است در مورد گزینه ۳ یک توضیحی بدهم: در انگلیسی بریتانیایی، مخصوصاً در شکل گفتاری آن، وقتی از have و has در معنی «داشتن» یا «مجبور بودن» استفاده می‌کنند، حتماً بعد از آن یک got هم می‌آورند که صرفاً نوعی گویش است و زمان جمله را به شکل حال کامل در نمی‌آورد. نگاه کنید:

I've got a car. = I have a car.

I've got to go. = I have to go.

ولی کتاب درسی‌تان در صفحه ۶۷ مرتکب اشتباه شده و یکی از این نوع جمله‌ها را در میان مثال‌های حال کامل آورده است. مثال کتاب این است:

He hasn't got a job yet. (= He doesn't have a job yet.)

او هنوز شغلی ندارد.

دقت کنید که have got و has got خودشان جمله را سوالی و منفی می‌کنند.

۱۸- گزینه ۴ «از شنیدن این داستان‌های قدیمی و تکراری خسته‌ام؛ متوجه نیستی که داری اذیتمان می‌کنی؟»

وقتی یک صفت می‌خواهد به یک اسم بچسبد، به حرف اضافه نیاز دارد. هر صفتی برای خودش یک حرف اضافه اختصاصی دارد. حرف اضافه اختصاصی صفت tired (خسته)، of (از) است. در صفحه ۷۷ کتاب درسی، شما با سه صفت و حرف اضافه اختصاصی آن‌ها آشنا می‌شوید: good at و interested in و tired of نکته دیگر این‌هاست که اگر بخواهیم بعد از حرف اضافه از یک فعل استفاده کنیم، آن فعل باید به شکل gerund دربیاید تا حالت اسم را به خودش بگیرد.

۱۹- گزینه ۴ «آیا دیشب خبر تلویزیون را دیدی؟» «نه، زود خوابیدم.»

- (۱) آیا دیدی - خوابیده‌ام (۲) آیا دیده‌ای - خوابیدم
- (۳) آیا دیده‌ای - خوابیده‌ام (۴) آیا دیدی - خوابیدم

وقتی در جمله‌ای از قید زمان گذشته استفاده می‌کنیم، دیگر نمی‌توانیم از حال کامل استفاده کنیم و انتخاب اولمان گذشته ساده است. در جمله اول، یک قید زمان گذشته (last night) وجود دارد. پس گزینه‌های ۲ و ۳ را حذف می‌کنیم. اثر قید زمان، در جمله دوم هم باقی است: «[دیشب] زود خوابیدم.» پس باز هم انتخابمان، زمان گذشته ساده است.

۲۰- گزینه ۳ «کار کردن بر روی دو فیلم آخرش، وقت و انرژی زیادی از او گرفته است.»

(۱) گرفته شد (۲) گرفته شدند (۳) گرفته است (۴) گرفته‌اند فاعل جمله یک gerund (اسم مصدر) است که با یک عبارت (on her last two films) ترکیب شده. این ترکیب یک فاعل مفرد به حساب می‌آید و با فعل مفرد به کار می‌رود. نکته دیگر این‌هاست که اگر قبل از قسمت سوم یک فعل (pp) از یک فعل to be استفاده کنید، در حقیقت آن فعل را با فعل «شدن» ترکیب کرده‌اید و یک فعل مجهول ساخته‌اید. برای همین است که گزینه‌های ۱ و ۲ نمی‌توانند معنی این جمله را کامل کنند.





۲۱- **گزینه ۱** «آن قدر خسته‌ام که نمی‌توانم چشم‌هایم را باز نگه دارم. فکر کنم که بخوابم.»

۱) خواهم خوابید؛ بخوابم

۲) خوابیده‌ام

۳) خوابیدم

۴) می‌خواستم بخوابم

از نوع ترجمه گزینه ۱ تعجب نکنید. شما با این کاربرد زمان «آینده ساده» در درس ۱ زبان دهم آشنا شده‌اید. وقتی گوینده نظر شخصی‌اش را در مورد اتفاقی در آینده نزدیک بیان می‌کند، معمولاً از جمله **I think** قبل از جمله آینده ساده استفاده می‌کند. ترجمه این جمله‌ها در فارسی معمولاً التزامی (بخوابم) است.

۲۲- **گزینه ۱** «او به از دست‌دادن قرارداد یا حتی از دست‌دادن تمام کسب و کارش اهمیتی نمی‌داد.»

سه حرف ربط **or** (یا)، **but** (ولی) و **and** (و) هم‌پایه‌ساز هستند و هر ساختاری را که قبل از آن‌ها استفاده کرده‌اید، باید بعد از آن‌ها هم استفاده کنید. در این تست، چون قبل از **or** از ساختار **gerund** استفاده شده، پس شما هم باید بعد از آن، از همین ساختار استفاده کنید.

۲۳- **گزینه ۴** «خواهر بزرگ مینا نویسنده است. او کتاب‌های زیادی نوشته است.»

۳) نوشت

۴) نوشته است

می‌دانید چرا گزینه‌های ۱ و ۲ را بی‌خیال شدم؟ چون قبل از اسم مفرد **writer** (نویسنده) از حرف تعریف استفاده نکرده است. و اما این که چرا به جای گذشته ساده (**wrote**) از حال کامل (**has written**) استفاده کرده‌ایم، یک دلیل ساده دارد: خواهر مینا هنوز زنده است و کار نویسندگی را از گذشته تا امروز انجام داده است. اگر او زنده نبود، گزینه ۲ را انتخاب می‌کردیم.

۲۴- **گزینه ۳** «من از دوچرخه‌سواری لذت می‌برم، ولی به مسابقه‌دادن علاقه‌مند نیستم.»

ترکیب **interested in** که در کتاب درسی‌تان هم به آن اشاره شده، به معنی «علاقه‌مند بودن به» است و باید حرف اضافه آن را به خاطر بسپارید.

۲۵- **گزینه ۲** «آن‌ها وقتی داشتند در دانشگاه اصفهان تحصیل می‌کردند، با هم ازدواج کردند.»

۱) ازدواج کرده‌اند - تحصیل کردند

۲) ازدواج کردند - داشتند تحصیل می‌کردند

۳) داشتند ازدواج می‌کردند - تحصیل کرده‌اند

۴) ازدواج کردند - تحصیل کرده‌اند

معنی کلی جمله و حضور حرف ربط **while** (وقتی/ در حین این‌که) نشان می‌دهد که چرا باید گزینه ۲ را انتخاب کنیم. خواستم با این تست یک سری به درس ۳ زبان دهم زده باشیم. در آن درس یاد می‌گرفتید که چه‌طور یک زمان گذشته ساده را با استفاده از یک حرف ربط (**when, while, as**) با یک زمان گذشته استمراری ترکیب کنید.

۲۶- **گزینه ۲** «از وقتی سیگار را ترک کرد، حالش خیلی بهتر شده است.»

به گزینه‌های ۳ و ۴ که اصلاً فکر نمی‌کنیم، چون بعد از فعل **give up** (ترک کردن) از مصدر استفاده کرده‌اند. بین گزینه‌های باقی‌مانده، گزینه ۲ (حال کامل) را ترجیح می‌دهیم تا نشان دهیم عملی از گذشته تاکنون ادامه داشته است. اگر یادتان باشد، با استفاده از حرف ربط **since** (از زمانی که ... تا حالا) دو جمله حال کامل و گذشته ساده را به هم متصل می‌کردیم. در این نوع جمله‌ها، جمله‌ای که بعد از **since** می‌آید، در زمان گذشته ساده (**gave up**) است و جمله دیگر (جمله هسته) در زمان حال کامل است.

۲۷- **گزینه ۳** «از وقتی که صبح از خواب بیدار شدم [تا حالا] دل‌درده داشتم.»

همین الان برگردید و توضیح تست قبلی را بخوانید، تا بفهمید داستان از چه قرار است. و اما یک نکته: حضور **have** و **had** در کنار یکدیگر نباید گیج‌تان کند. اولی (**have**) فعل کمکی و نشان‌دهنده زمان حال کامل است؛ و دومی (**had**) قسمت سوم فعل اصلی «داشتن» است.

۲۸- **گزینه ۲** «به خواب رفتنش طی مراسم عروسی واقعاً باعث خجالت بود.»

۱) دارد خوابش می‌برد

۲) به خواب رفتنش

۳) خوابش برده است

۴) داشت خوابش می‌برد

یادتان باشد که **gerund** (اسم مصدر) یک اسم است؛ پس می‌تواند در ترکیب‌های ملکی، بعد از یک صفت ملکی (مثل **my** و **his** و ...) و یا بعد از اسم مالک (**Ali's**) به کار برود. گزینه‌های دیگر را تک‌تک به جای «به خواب رفتنش» قرار بدهید و ببینید که چه‌طور معنی جمله را به هم می‌ریزند.

۲۹- **گزینه ۴** «آیا هرگز در عمرت خاویار خورده‌ای؟» «نه، هرگز.»

این دو قید هر دو معنی «هرگز؛ هیچ‌وقت» را دارند اما **never** معمولاً در جمله‌های خبری‌ای که فعل مثبت دارند به کار می‌رود. اما قید **ever** در جمله‌های پرسشی، و آن دسته از جمله‌های خبری که فعل منفی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگاه کنید:

آیا هرگز به لندن رفته‌ای؟ **Have you ever been to London?**

من هرگز به لندن نرفته‌ام. **I've never been to London.**

من هرگز به لندن نرفته‌ام. **I haven't ever been to London.**

نکته جالب این‌که می‌توانیم از قید **never** در جمله‌های پرسشی هم استفاده کنیم، اما در این صورت جمله سؤالی یک مفهوم «تعجب» پیدا می‌کند. ببینید:

Have you never been to London?

یعنی تو هیچ‌وقت لندن نرفته‌ای!!

به همین خاطر، گزینه ۲ هم می‌تواند جواب صحیح باشد (یعنی تو هرگز خاویار نخورده‌ای!!) اما «خاویار» غذای ارزان و رایجی نیست که به خاطر «نخوردن آن» کسی تعجب کند. پس همان گزینه ۴ را ترجیح می‌دهیم.

۳۰- **گزینه ۳** چون دو تا **gerund** (اسم مصدر) در کنار هم حضور دارند، پس فاعل جمله شکل جمع دارد و به فعل جمع نیاز داریم. بنابراین گزینه‌های ۱ و ۲ را کنار می‌گذاریم. فعل **surf** (گشتن در) یک فعل گذراست و برای اتصال به اسم، نیاز به حرف اضافه ندارد. پس گزینه ۴ هم نادرست است.

۳۱- **گزینه ۴** «بهبود از دوستان قدیمی من است. ما مدت‌هاست که هم‌دیگر را می‌شناسیم.»

این تست، کاربرد دوم حال کامل را نشان می‌دهد: عملی در گذشته شروع شده و هم‌چنان ادامه دارد. شاید فکر کنید که این جمله را با گزینه ۲ هم زیاد شنیده‌اید. بله! ولی جنبه محاوره‌ای دارد و از نظر دستوری نادرست است. و حرف آخر این‌که من در ترجمه این تست، به جای «شناختیم» / آشنا بوده‌ایم» از «می‌شناسیم» استفاده کرده‌ام. دلیلش این است که در زبان فارسی معمولاً فعل‌های «حالت» (غیرکنشی) را با ماضی نقلی بیان نمی‌کنیم. مثلاً نمی‌گوییم «من از سال ۱۳۸۰ تا حالا این ماشین را داشته‌ام». بلکه می‌گوییم «من از سال ۱۳۸۰ تا حالا این ماشین را دارم.»



۳۲- گزینه ۲ «آلبرت اینشتین دانشمندی بود که فرضیه نسبیت را ابداع کرد.»

(۱) بوده است - ابداع کرد
(۲) بود - ابداع کرد
(۳) بود - ابداع کرده است
(۴) بوده است - ابداع کرده است

اگر آلبرت اینشتین زنده بود، قطعاً فعل جمله اول را در زمان حال ساده، و فعل جمله دوم را در زمان حال کامل می آوردیم. اما او از دنیا رفته است! پس در هر دو جای خالی از فعل گذشته ساده استفاده می کنیم.

۳۳- گزینه ۲ «من قبلاً آن فیلم را دیده‌ام؛ بیا به دیدن یک فیلم دیگر برویم.»

(۱) هنوز ندیده‌ام
(۲) قبلاً دیده‌ام
(۳) هرگز ندیده‌ام
(۴) تاکنون ندیده‌ام

این تست نیاز به توضیح ندارد. معنی گزینه‌ها به اندازه کافی گویاست.

۳۴- گزینه ۱ «بعد از این که بیمارستان را ترک کرد، به یک تعطیلات طولانی رفت.»

(۱) ترک کرد - رفت
(۲) ترک کرده است - رفت
(۳) داشت ترک می کرد - رفت
(۴) ترک می کند - رفته است

حل خیلی از تست‌های مربوط به «زمان‌ها» نیاز به دانستن نکته خاصی ندارد. کافی است بتوانید زمان‌ها را معنی کنید. فقط اگر فکر می کنید چرا من فعل had را به جای «داشتن» به شکل «رفتن» ترجمه کرده‌ام، جوابش این است که این فعل را به عنوان بخشی از اصطلاح رایج have a holiday (به تعطیلات رفتن) در نظر گرفته‌ام.

۳۵- گزینه ۲ «چه زمانی باران شروع شد؟» «یک ساعت پیش.»

گزینه‌های ۱ و ۲ که مرخص‌اند! چون فراموش کرده‌اند فعل کمکی را به قبل از فاعل منتقل کنند تا جمله، سوالی شود. مشکل گزینه ۴ هم، معنی کلمه پرسشی آن است. کلمه پرسشی how long در معنی «چند وقت؟ / چه مدت؟» به کار می‌رود، و در این تست، با جوابی که شنونده داده است (یک ساعت پیش) هم‌خوانی ندارد.



۱۱۲- **گزینه ۲** برادر کوچکم در اتاق کناری خواب است؛ زیاد سروصدا نکن، وگرنه از خواب بیدار می‌شود.

- (۱) ساختن (۲) [سروصدا] کردن
(۳) زیاد کردن (۴) گرفتن

خیلی از اسم‌ها در ترکیب با فعل مهم **make** تبدیل به یک عبارت فعلی می‌شوند. همین مثال را در نظر بگیرید: عبارت **make noise** به معنی «سروصدا کردن». یا مثلاً عبارت **make a prediction** به معنی «پیش‌بینی کردن». پس هر موقع قبل از جای خالی، فعل **make** را دیدید، حواستان باشد که شاید پای یک «ترکیب» در میان باشد.

۱۱۳- **گزینه ۲** یک ماده شیمیایی پیدا شده که شاید کلید باز کردن معماهای بیماری پارکینسون باشد.

- (۱) مورد، نمونه (۲) کلید (۳) هدف (۴) تمرین

۱۱۴- **گزینه ۲** تو نباید تا زمانی که وضعیت به طور کامل بهتر نشده است، به روال معمولی خود برگردی.

- (۱) صادقانه (۲) به طور کامل (۳) روزانه (۴) اخیراً

۱۱۵- **گزینه ۳** یونیسف تخمین می‌زند که هر روز در سراسر جهان به طور متوسط ۲۵۲ هزار نوزاد متولد می‌شود.

- (۱) خواب‌بودن (۲) خلق‌شدن (۳) متولدشدن (۴) زیادشدن

۱۱۶- **گزینه ۳** پیشرفت‌های فن‌آوری ما را تنبل کرده و امروزه بسیاری از بچه‌ها خوره تلویزیون و چاق‌اند.

- (۱) سبک زندگی (۲) ورزشکار
(۳) خوره تلویزیون (۴) ضریان قلب

۱۱۷- **گزینه ۴** وقتی به یک کار کم استرس‌تر، تغییر شغل دادم، وضعیت سلامت‌م در نهایت شروع به بهبود کرد.

- (۱) به دست آوردن (۲) زیادشدن
(۳) مواظبت‌کردن از (۴) بهترشدن

۱۱۸- **گزینه ۴** وقتی رسیدم خانه، مادرم آن‌جا نبود، ولی یادداشتی روی میز گذاشته بود که نوشته بود رفته است بیرون.

- (۱) ساختن (۲) بررسی کردن
(۳) توصیف کردن (۴) گذاشتن؛ ترک کردن

۱۱۹- **گزینه ۳** پیدا کردن درمانی برای سرطان، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که محققان پزشکی با آن روبه‌رو هستند.

- (۱) فنی (۲) بدنی (۳) پزشکی (۴) تفریحی

۱۲۰- **گزینه ۲** مادرم خیلی مراقب سلامتی‌اش است. او برای معاینه‌های منظم، پیش دکترش می‌رود.

- (۱) امن، بی‌خطر (۲) منظم؛ معمولی (۳) متعادل (۴) طبیعی

۱۲۱- **گزینه ۴** حمید هر دو دستش را در یک برق‌گرفتگی از دست داد و نقص عضو او مانع از رانندگی کردنش می‌شود.

- (۱) گیج کردن (۲) ممنوع کردن (۳) شرکت کردن در (۴) مانع شدن

۱۲۲- **گزینه ۱** در صورت وقوع آتش‌سوزی یا زلزله، آیا خروجی اضطراری ساختمان برای صندلی چرخدار مناسب است؟

- (۱) اضطراری (۲) مخفی
(۳) آتش‌نشان (۴) قابل پیش‌گیری

۱۲۳- **گزینه ۲** این روزها من به ندرت در شهر هستم؛ شرکت، من را زیاد به سفر کاری می‌فرستد.

- (۱) کاملاً (۲) به ندرت (۳) تاکنون (۴) اغلب

۱۰۱- **گزینه ۲** دکتر به من گفت که سلامتی‌ام در خطر است و لازم است از نظر جسمی فعال‌تر شوم، کم‌تر غذا بخورم و سیگار را ترک کنم.

- (۱) منظم؛ معمولی (۲) فعال
(۳) خطرناک (۴) صحیح

۱۰۲- **گزینه ۴** دیشب باران سنگینی در تهران می‌بارید و شرایط دشوار رانندگی، باعث چندین تصادف شد.

- (۱) اتفاق افتادن (۲) توسعه‌دادن؛ ایجاد کردن
(۳) نجات‌دادن (۴) باعث شدن

۱۰۳- **گزینه ۳** نوستراداموس پزشکی بود که به خاطر پیش‌بینی کردن حوادث بزرگ جهان، قرن‌ها پیش از وقوع آن‌ها، مشهور است.

- (۱) اندازه‌گرفتن (۲) جلوگیری کردن
(۳) پیش‌بینی کردن (۴) احساس کردن

۱۰۴- **گزینه ۲** کودکان طی سال‌های رشد، به طور مداوم در حال رشد و تغییر هستند، از نظر عاطفی و جسمی.

- (۱) مخصوصاً (۲) از نظر عاطفی (۳) به طور مشروط (۴) مکرراً

۱۰۵- **گزینه ۲** مونا لیزا معروف‌ترین نقاشی داوینچی است و از سال ۱۷۹۷ در موزه لوور پاریس در معرض نمایش است.

- (۱) واقعی (۲) معروف
(۳) اخیر (۴) معمولی؛ منظم

۱۰۶- **گزینه ۱** علاقه من به تنوع فرهنگی یکی از دلایل اصلی‌ای بود که من تحقیقات دکترای خود را در این زمینه شروع کردم.

۱۰۷- **گزینه ۳** من نگران او هستم؛ او استرس زیادی دارد و درست غذا نمی‌خورد. هر روز دارد لاغرتر می‌شود.

- (۱) بادقت (۲) به ندرت (۳) به درستی (۴) به سرعت

۱۰۸- **گزینه ۳** امروزه همه ما از نوعی فن‌آوری استفاده می‌کنیم. تصور کردن جهانی بدون آن تقریباً غیرممکن است.

- (۱) متعادل کردن (۲) حاوی (چیزی) بودن
(۳) تصور کردن (۴) تغییردادن

۱۰۹- **گزینه ۱** امیدوارم که بی‌خطر به مقصدت برسی؛ و از همه مهم‌تر، فراموش نکن زمانی که رسیدی تماس بگیر.

- (۱) از همه مهم‌تر (۲) با این وجود (۳) مطمئناً (۴) اصلاً

۱۱۰- **گزینه ۳** وقت نداشتیم کل کتاب را بخوانیم، بنابراین به طور سطحی آن را خواندم تا یک ایده کلی از متن بگیرم.

- (۱) مفصل، مشروح (۲) کم‌یاب
(۳) کلی (۴) معمولی؛ منظم

۱۱۱- **گزینه ۴** درست کردن سس مایونز خانگی آسان است و مزه‌اش از بسیاری از نمونه‌های خریداری شده از مغازه‌ها بهتر است.

- (۱) سالم (۲) بی‌خانمان (۳) بی‌ضرر (۴) خانگی



۱۳۶- **گزینه ۲** نگران مریم نباش، او یک زن بالغ است و می‌تواند از خودش مراقبت کند.
 (۱) نگاه کردن به
 (۲) مراقبت کردن از
 (۳) گشتن به دنبال
 (۴) به گذشته نگاه کردن

۱۲۴- **گزینه ۲** به چیزی که می‌گوید توجه کن، چون آن را دوباره توضیح نخواهد داد.
 (۱) سلب کردن
 (۲) به عقب نگاه کردن
 (۳) توجه کردن به
 (۴) پرسه زدن با

۱۲۵- **گزینه ۲** پس از آسیب شدید زانویش، تصمیم گرفت فوتبال را ترک کند و چیز دیگری را امتحان کند.
 (۱) کاهش دادن
 (۲) بازنشسته شدن
 (۳) ترک کردن
 (۴) تغییر دادن
 ۱۲۶- **گزینه ۲** موتور بخار یکی از بزرگ‌ترین تحولات فنی قرن نوزدهم بود.

(۱) پزشکی (۲) فنی (۳) اجتماعی (۴) سنتی
 ۱۲۷- **گزینه ۴** تو باید بتوانی تجربیات در الکترونیک را در کار جدیدت مورد استفاده قرار بدهی.

(۱) طرح، برنامه (۲) خطر (۳) مهارت (۴) استفاده
 ۱۲۸- **گزینه ۲** یک چیز مسلم است - وقتی بچه متولد شود، زندگی‌تان دیگر هرگز مثل قبل نخواهد بود.

(۱) در تعادل (۲) مسلم، قطعی، قطعاً
 (۳) مخفی (۴) ممنوع

۱۲۹- **گزینه ۴** این تحقیق، این امکان را که بشود یک درمان برای این بیماری پیدا کرد، مهیا می‌کند. کلمه «بیماری» مترادف است با «مریضی».

(۱) سلامت (۲) آنتی‌بیوتیک (۳) سرطان (۴) مریضی
 ۱۳۰- **گزینه ۲** من صبح زود بیدار شدن را دوست ندارم، اما دوست دارم یک طلوع زیبای خورشید را تماشا کنم.

(۱) لذت بردن از (۲) مخالفت کردن
 (۳) دوست نداشتن (۴) به فکر (کسی) رسیدن

۱۳۱- **گزینه ۲** چون مأموریت بسیار خطرناکی بود، نیروهای مسلح درخواست سربازان داوطلب کرد.

(۱) مسابقه (۲) مأموریت
 (۳) موضوع (۴) مرحله؛ صحنه
 ۱۳۲- **گزینه ۲** خوب شدن استخوان‌های شکسته همیشه زمان می‌برد، تو نباید عجله کنی.

(۱) ساختن (۲) به دست آوردن
 (۳) (زمان) بردن (۴) حاوی (چیزی) بودن

🔗 عبارت فعلی **take time** به معنی «زمان بردن» و «طول کشیدن» است.
 ۱۳۳- **گزینه ۱** زلزله، بسیاری از خانه‌ها را نابود و هزاران نفر را بی‌خانمان کرد.

(۱) بی‌خانمان (۲) بازنشسته
 (۳) در امان؛ ایمن (۴) صبور؛ [فرد] بیمار

۱۳۴- **گزینه ۴** رفتارش با من در مهمانی خیلی زشت بود و احساسات مرا جریحه‌دار کرد.

(۱) رفتار کردن (۲) حمل کردن
 (۳) جلوگیری کردن (۴) آسیب زدن؛ [احساسات] جریحه‌دار کردن

۱۳۵- **گزینه ۱** مادر بزرگم از بیماری نمره، او در سن ۸۲ سالگی با مرگ طبیعی از دنیا رفت.

(۱) طبیعی (۲) عاطفی (۳) دردناک (۴) پزشکی

